خارج اصول

جلسه88 \* چهارشنبه 30/ 11/ 98

موضوع: مسأله ی ضد

­­­­­­­­­­­­­­­­­­بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین.

لا حول و لا قوة الّا بالله العلی العظیم.

\*\*\*\*\*\*\*

کلام در شبهه ی کعبی بود؛ گفتیم که کعبی قائل است به اینکه احکام تکلیفی چهارتا بیشتر نیست زیرا اباحه حکم نیست و مباحات در واقع حکم دیگری دارند. البته هدف و نظر اصلی او این است که دو حکم تکلیفی بیشتر نداریم: وجوب و حرمت؛ گفتیم: این شبهه دو مقدّمه دارد:

اوّل: ترک حرام در خارج متوقّف است بر فعل اختیاری یا کون(توقّف) اختیاری؛ پس اشتغال به فعل یا سکون اختیاری، مقدّمه ی ترک حرام است.

دوّم: فعل اختیاری در حدوث و بقاء نیاز به علّت دارد: علّت محدثه و علّت مبقیه.

در نتیجه ترک حرام حدوثاً و بقاءً متوقّف است بر ایجاد غیرش و این غیر، واجب است نه مباح زیرا مقدّمه ی واجب است.

از این دو مقدمه، مقدّمه ی دوّم، صحیح است؛ اما مقدّمه ی اوّل، مخدوش است؛ زیرا مبتنی بر دو امر است که با توجّه به مطالب قبلی هر دو باطل است:

1.التزام به مانعیّت وجود یک ضدّ برای عدم ضدّ دیگر؛ پس عدم یک ضدّ متوقّف بر وجود ضدّ دیگر است (بحث مقدّمیّت).

2.التزام به ملازمه ی بین حرمت شیئ(و وجوب ترک آن) و وجوب ضدّه (بحث تلازم).

اما اوّلی باطل است، زیرا قبلاً گفتیم وجود ضدّ متوقّف بر مقتضی خودش می باشد نه بر عدم ضدّ دیگر زیرا نمی شود ضدّین هر دو مقتضی داشته باشند؛

امّا سلّمنا که متوقّف بر عدم دیگری باشد، لازم می آید که وجود ضدّ، مقدّمه ی عدم ضدّ دیگر باشد و واجب باشد؛ امّا این وجوب عقلی است نه شرعی؛ قبلاً گفتیم که بین وجوب شرعی ذی المقدّمه و وجوب شرعی مقدّمه، ملازمه نیست؛ بله بین وجوب شرعی ذی المقدّمه و وجوب عقلی مقدّمه، ملازمه هست ولی برای قول کعبی مفید نیست.

اما دوّمی باطل است، زیرا همان تلازم است که اخیراً گفتیم متلازمین در وجود لازم نیست که در حکم متّحد باشند بلکه فقط نباید متناقض باشند و الّا تکلیف بما لایطاق می شود.

(پایان)